ادامه از صفحه اول

اعتراض سنتی‌ها به فهرست اصولگرایان

حداد اخذ تعهد برای ریاستش را تکذیب کرد

جمعه‌شب خبری روی یکی از سایت‌های اصولگرا منتشر شد؛ مبنی بر اینکه از اصولگرایان تأیید صلاحیت‌شده در لحظه آخر برای قرارگرفتن در فهرست، تعهدی گرفته می‌شود که در صورت امتناع حذف می‌شوند. اخبار اولیه حاکی از این بود که تعهدنامه فقط برای این است که هرکس نامش در فهرست ائتلاف نبود، از انتخابات انصراف دهد؛ اما سایت اصولگرای صراط‌نیوز نوشت: «شنیده‌های صراط حکایت از آن دارد که اعضای ائتلاف اصولگرایان تعهد داده‌اند تا در انتخابات ریاست مجلس دهم به غلامعلی حدادعادل رأی دهند». دیروز اما غلامعلی حدادعادل به ایسنا گفت: «خبر منتشرشده در بعضی رسانه‌ها دراین‌باره کذب است». اما برخی اخبار دیگر از اردوگاه اصولگرایی به گوش می‌رسد که بیش از آنکه به تکذیب حداد عادل نزدیک باشد به اصل ماجرای تکذیب‌شده نزدیک است. بعد از انتشار فهرست احتمالی اصولگرایان در تهران، کمال‌الدین سجادی سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری، ضمن تأیید ضمنی فهرست منتشرشده آن را نوعی دورزدن طیف سنتی اصولگرایان از سوی تندروها تلقی کرد.

به گزارش آنا، در روزهای اخیر، فهرستی با عنوان «لیست ائتلاف اصولگرایان در تهران» برای انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در فضای مجازی و برخی سایت‌ها منتشر شد. در این فهرست، تندروهای اصولگرا و جریان‌های همسو با جبهه پایداری، سهمی نزدیک به ۸۰ درصد دارند و طیف سنتی اصولگرایان از حزب مؤتلفه اسلامی و جامعه روحانیت مبارز، سهم حدود ۱۶ درصدی را به خود اختصاص داده‌اند. جبهه یکتا و مستقلین نیز کمتر از پنج درصد در این فهرست، سهم گرفته‌اند. کمال‌الدین سجادی، سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری با اشاره به اینکه «طبق آنچه در این فهرست آمده است، جبهه پایداری سهم بیشتری نسبت به امثال موتلفه و جامعه روحانیت به خود اختصاص داده است»،گفت: فقط این موضوع را می‌توانم عنوان کنم، ما هم که از ثبت‌نامی‌های مجلس دهم هستیم در این فهرست نیستیم. سادات همیشه مظلوم واقع می‌شوند. جبهه جایی ندارد ولی از مؤتلفه و ایثارگران در این فهرست هستند. سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری با بیان اینکه «افرادی که این فهرست را بسته‌اند باید بگویند بر چه مبنایی بسته‌اند»، گفت: باید آنهایی که فهرست را بستند پاسخ بدهند، به‌ویژه سخنگوی ائتلاف اصولگرایان که آقای حدادعادل است. ما در این زمینه نقشی نداریم، ولی به طور رسمی بعد از اینکه تأیید صلاحیت‌ها اعلام شد، می‌توانیم نظر نهایی را اعلام کنیم. او در پاسخ به این سؤال که «آیا در این زمینه آقای باهنر رایزنی‌هایی را انجام داده است یا خیر؟»، تأکید کرد: ایشان تلاش‌های خودشان را کردند، ولی ایشان یک نفر بودند، گروه‌های دیگر به‌خصوص پایداری، ایثارگران، مؤتلفه و جامعه روحانیت مبارز تعداد زیادی بودند. از جبهه پیروان فقط آقای باهنر بودند که ایشان نه به اعتبار جبهه بلکه به اعتبار شخص حقیقی خودشان اقداماتی را انجام داده‌اند. خبرآنلاین هم نوشته است که تماس‌ها با اعضای ائتلاف اصولگرایان حاکی از آن است که اسامی زیر در فهرست گنجانده شده است: ۱- سیدمحمدحسن ابوترابی‌فرد ۲- غلامعلی حدادعادل ۳- غلامرضا مصباحی‌مقدم۴- احمد توکلی۵- محمدنبی حبیبی۶- علیرضا زاکانی ۷-الیاس نادران ۸- مهرداد بذرپاش ۹- اسماعیل کوثری ۱۰- حسین مظفر ۱۱- مسعود میرکاظمی ۱۲- اسدالله بادامچیان ۱۳- زهره طبیب‌زاده ۱۴- لاله افتخاری ۱۵- فاطمه آلیا ۱۶- مرضیه وحیددستجردی ۱۷- فاطمه رهبر ۱۸- مجتبی رحماندوست ۱۹- محمد سلیمانی ۲۰- سوسن صفارودی (همسر محمدعلی رامین) ۲۱- حسین نجابت ۲۲- مهدی کوچک‌زاده ۲۳- محمد حسینی ۲۴- یحیی آل‌اسحاق.

حدادعادل، به تسنیم گفته این فهرست تا دو، سه روز دیگر به صورت رسمی اعلام می‌شود.

سایت صراط‌نیوز درباره این فهرست نوشته است:« به نظر می‌رسد که این فهرست با فشار و میدان‌داری عده محدودی از اصولگرایان بسته شده و به‌همین‌دلیل در اسامی منتشرشده در رسانه‌ها، جای خالی بسیاری از چهره‌های سرشناس اصولگرا به چشم می‌خورد. گفته می‌شود این افراد با واسطه‌گری زاکانی و نزدیکانش برای انتخاب حدادعادل به ریاست مجلس هم‌قسم شده‌اند». این سایت اصولگرا، در ادامه گزارش خود تصریح کرده: «تحولات رخ‌داده در سازوکار ائتلاف اصولگرایان، به تحمیل افراد گمنام در فهرست ۳۰ نفره ائتلاف منجر شده و موجبات تفرق و پراکندگی آرای اصولگرایان را فراهم خواهد کرد». واکنش دیروز سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری به این فهرست و سازوکار تهیه آن، تحلیل این سایت اصولگرا را تأیید می‌کند.

مشاور رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با «شرق» تشریح کرد:

نگاه ویترینی به مدیریت زنان مشکلی را حل نمی‌کند

شرق: سرعت کم توسعه مسائل زنان در جامعه، افراط‌گرایی است. این نکته‌ای است که سیدرضا صالحی‌امیری، مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور، بر آن تأکید کرد. وی درباره برگزاری دومین همایش ملی اعتدال که امسال با عنوان «زنان، اعتدال و توسعه» امروز یکشنبه ۱۸ بهمن با حضور رئیس‌جمهور در سالن اجلاس سران برگزار می‌شود، نکاتی را بیان کرد. رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی در گفت‌وگو با «شرق»، تبیین گفتمان حوزه اعتدال را بااهمیت توصیف کرد و افزود: «تشریح اجزا، اضلاع و ابعاد گفتمان اعتدال در جامعه یک ضرورت است. مهمترین تأکید ما در گفتمان‌سازی، استفاده از ظرفیت نخبگان و انجمن‌های علمی و صاحب‌نظران برای تبیین گفتمان حوزه اعتدال است. این دولت نیست که گفتمان اعتدال را تبیین می‌کند؛ بلکه صاحب‌نظران، کارشناسان و فرهیختگان در این حوزه نظریه‌پردازی می‌کنند. همچنان‌که در سال گذشته ۱۲۶ نفر در حوزه اعتدال قلم زدند که در قالب هفت جلد کتاب چاپ شد و امسال ۱۴۰ چکیده مقاله و بیش از ۶۳ مقاله کامل واصل شده است که در قالب چهار جلد کتاب به چاپ رسیده است». مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور، دلایل تمرکز اعتدال را بر روی حوزه زنان، ناشی از دو عامل دانست: «زنان نیمی از جامعه بوده و هیچ فردی نمی‌تواند زنان را به‌عنوان یک حقیقت و واقعیت در روند توسعه ملی نادیده بگیرد. منظور از حقیقت این است که در اندیشه اعتقادی ما زن و مرد از نظر جنسیت وجه تمایزی ندارند؛ همچنان‌که در دین اسلام بر معیار تقوا به‌عنوان یک معیار مهم تأکید شده است. از نظر واقعیت اجتماعی باید به این نکته توجه کرد که بدون زنان و توسعه آنان، جامعه ما به سرمنزل مقصود نمی‌رسد؛ به‌هرحال زنان نیمی از جامعه هستند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت».

صالحی‌امیری با بیان اینکه کشور ما بعد از انقلاب همواره در حوزه زنان، رویکرد افراط و تفریط را در پیش گرفته است، به این دو دیدگاه، اشاراتی داشت: «یک رویکرد، تحجرگونه بود که با حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی مخالفت کرده و همچنان این مخالفت ادامه دارد. این نگاه زنان را در دایره بسته تعریف کرده و قدرت خلاقیت را از زنان می‌گرفت. رویکرد دوم افراطی بوده و ناظر بر عبور از ارزش‌ها و اخلاق‌های جامعه است. این رویکرد فمینیستی است که به هیچ‌وجه مورد تأیید ما نیست».

وی تأکید کرد: «اعتقاد ما این است که راه نجات از این وضعیت، تأکید بر رویکرد اعتدالی است؛ به‌همین‌دلیل اصرار داریم که کفتمان اعتدال در حوزه زنان تبیین و تشریح شود. خوشبختانه استقبال خوبی از سوی انجمن‌ها و جامعه دانشگاهی صورت گرفته است. اعتقاد ما بر این است که باید در حوزه زنان ادبیات بیشتری تولید شود. این ادبیات باید به سطح مدارس راه یافته و دانش‌آموزان با این ادبیات آشنا شوند. از سوی دیگر توسعه باید با محوریت زنان در جامعه شکل بگیرد و در حوزه زنان، توسعه باید با نگاه اعتدالی انجام شود».

مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور راهکار عملیاتی تحقق این اهداف را برشمرد و گفت: «در گام نخست باید ساختار متناسب شود؛ به‌عبارت‌دیگر ساختارهای متناسب برای حضور زنان در جامعه فراهم شود. از سوی دیگر با راهکار تقنینی می‌توان فرصت‌های ملی را برای زنان فراهم کرد. نکته دیگر اراده ملی برای سرمایه‌گذاری در این زمینه است که شامل آموزش، توسعه نهادهای مدنی و سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌شود». این استاد دانشگاه درباره انتقاد فعالان حوزه زنان درباره انتخاب‌نشدن زنان به‌عنوان وزیر در کابینه، تصریح کرد: «این مسئله که دولت با یک کار نمایشی تعدادی از زنان را در کابینه قرار بدهد، در واقع توهین به زنان است. زنان باید ضمن حضور در هر مقامی اثرگذاری داشته باشند. به نظر من، حضور زنان در پست وزارت، مسئله جامعه زنان نیست. این اقدام یک نوع کار تبلیغاتی است که فایده‌ای برای زنان ندارد».

مشاور رئیس‌جمهور با بیان اینکه تاکنون تمام رئیس‌جمهورهای آمریکا مرد بوده و اصلا زنی نتوانسته رئیس‌جمهور شود، گفت: «آیا به این بهانه می‌توان گفت که جامعه آمریکا به زنان نگاه تحقیرآمیز دارد؟ به نظر من دغدغه زنان نباید این باشد که در مدیریت کلان و میانی حضور گسترده داشته باشند؛ بلکه باید این حضور اثربخش و تأثیرگذار باشد؛ دراین‌صورت از نگاه نمایشی و ویترینی در حوزه زنان خارج می‌شویم.

ادامه در صفحه ۱۹

مخاطرات تشکیل مجلس غیرحزبی

ادامه از صفحه ۶

در کشور ما ضعف تحزب امری جدی است؛ احزاب وقتی موفق خواهند بود که به غیر از مجوزی که حکومت به آنها اعطا می‌کند، خود مردم هم به آنها گرایش نشان دهند و با نگاه مثبت برخورد کنند، در آنها عضو شوند و فعالیت کنند.

مسئله بعد به نظر من، نخبگان کشور هستند؛ روشنفکران، استادان دانشگاه، معلمان، تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی که ما کم نداریم. جامعه دانشگاهی و دانش‌آموختگان ما بیش از۲۰ میلیون نفر هستند. این گروه‌ها باید در جهت آگاهی‌دادن به مردم و جامعه خود،احساس مسئولیت کنند؛ این مسئولیت هم اخلاقی است، هم اعتقادی و هم انقلابی و هم اصلاح‌طلبانه. ما در این زمینه ضعف داریم. به نظر من نخبگان کشور مسئولیت خطیری دارند. نخبگان درست مثل حکومت، هردو، گروه‌های مسئولی هستند که باید پاسخ‌گو باشند. اما نخبگان ما کم وقت می‌گذارند، انگیزه کافی ندارند، خطرپذیر نیستند و این نکته مهمی است.

ضعف بعدی به خود دستگاه اجرائی، یعنی خود دولت‌ها و سیستم اجرائی، برمی‌گردد که باید در جهت تحول در نظام انتخاباتی، اصلاح قانون انتخابات، مکانیزه‌کردن و شفاف‌ترکردن مراحل آن اقدام کند.

البته در این دولت هیأت‌های اجرائی نسبتا خوب عمل کردند. خوب یعنی اینکه بی‌طرفانه عمل کردند، نه اینکه به نفع جناح خاصی کار کرده باشند. ایده‌آل نبوده اما نسبت به دوره‌های قبل بهتر عمل کرده‌اند. من امیدوارم این ضعف اصلی، اصلاح شود. این مستلزم این است که نوع نگاه خود را تغییر دهند. همه بپذیرند انتخاب‌کننده اصلی، مردم هستند. شما دیدگاه امام را در نظر بگیرید. مرتب می‌گفتند «میزان رأی مردم است»، «مردم احتیاج به قیم ندارند». یا رهبری می‌گویند رأی مردم حق‌الناس است و شقوق مختلف آن را موردبحث قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد اگر بخواهد حق‌الناس رعایت شود، معنایش این است که مردم، خود انتخاب کنند. مگر آنهایی که طبق قانون به لحاظ اخلاقی، عملکرد سیاسی یا هرچه که بوده، حائز شرایط نباشند و به این دلیل که مشمول قانون نیستند، نتوانند وارد مجلس شوند.

نکته

افرادی وارد مجلس می‌شوند که یا صفرکیلومتر هستند! یا با طرح شعارهای احساسی، سوار موج احساسات مردم خواهند شد. این افراد ممکن است به منابع غیرپاک مالی هم وصل شوند

فکر می‌کنید احزاب برای از این به بعد باید چه برنامه‌ای داشته باشند؟ آیا باید در جذب نیرو تغییراتی ایجاد کنند، یا باید فرایندهای جدیدی را طراحی کنند؟

سؤالی خیلی مهم و اساسی است. احزابی که در این صحبت مدنظرند احزاب واقعی هستند. احزابی که یک‌شبه ایجاد نشده باشند. یعنی شب انتخابات اعلام موجودیت نکرده باشند. این گروه‌ها را نباید به عنوان حزب تلقی کرد. اینها بیشتر گروه‌های سیاسی هستند که با دلایل و انگیزه‌های مختلف شکل گرفته‌اند. حتی بعضی از آنها مأموریت دارند که تشکیل شوند و بعد هم مأموریتشان تمام می‌شود. منظور من احزاب واقعی هستند که اساسنامه و مرام‌نامه روشن داشته باشند. حتی زمانی هم که احزاب جدی داشتیم، من معتقد بودم همه کار یک حزب سیاسی، فقط انتخابات نیست. حتی فقط هم سیاست نیست. چون مسائل سیاسی، اقتصادی، رفاهی، فرهنگی، ورزشی و اخلاقی به یکدیگر گره خورده و جدا از هم نیستند. اینکه شما فقط همه چیز را در سیاست و سیاست را در انتخابات و انتخابات را در شب انتخابات خلاصه کنید، یکی از ضعف‌های اصلی احزاب ما در گذشته بوده است. من با اینکه عضویت حزبی نداشتم، اما معتقد بودم شاید مثلا ۲۰درصد کار احزاب، سیاسی و انتخاباتی باشد، اما ۸۰درصد آن را باید به آموزش اختصاص داد. به کادرها آموزش داد تا قدرت تحلیل و آینده‌نگری داشته باشند. باید بتوانند همین قانون اساسی را که نقاط قوت و قابل‌توجهی در زمینه حقوق اساسی مردم دارد، آموزش دهند. این مسائل و مفاهیم را ترویج کنند که مردم بدانند چنین حقوقی دارند و این حقوق طبیعی و خدادادی آنهاست و طبق انقلابی که به این قانون اساسی منجر شده، حق آنهاست. مردم باید آگاهی پیدا کنند، مطالبه کنند و بر اساس انتخاب آنها دولت‌ها، نمایندگان مردم و مجالس شکل بگیرد و احزاب هم پاسخ‌گو باشند و بر کار آنها نظارت کنند. وقتی این مسائل اولیه و ابتدایی شکل نگرفته و انجام نشده، شما چه انتظاری دارید که مردم از آگاهی و تحلیل بالا برخوردار باشند. اگر این نوع نگاه باشد، نیمه‌عمر زندگی احزاب هم خیلی بیشتر خواهد شد. این نیست که همه چیز را فقط در سیاست، آن هم از نوع خیلی داغ و خطوط قرمز آن، انتخاب کنند. احزاب باید به مسائل اجتماعی هم بپردازند. تحلیل مسائل جامعه و توسعه اجتماعی هم- به نظر من- جزء مسئولیت‌های یک حزب است نه فقط توسعه سیاسی.

درواقع حزب چند کار ویژه دارد که یکی از کارویژه‌های مهم آن همین فرایند آگاهی‌بخشی و آموزش مردم است که در کشور ما تا حدود زیادی مغفول مانده است. برای جبران این خسارتی که الان به احزاب وارد شده، به طور مشخص درباره احزاب اصلاح‌طلب، باید چه کنند؟

احتمال تکرار این وضعیت کمتر می‌شود. این باید اولین اولویت هر شهروند ایرانی مسلمان باشد، اولویت هر نهاد مدنی و حزب سیاسی باشد که مخاطب اصلی خود را توده مردم انتخاب کند و با آموزش و آگاهی، با کار مشترک جمعی در نهادهای مدنی و تشکل‌های مختلف صنفی و اجتماعی، همه با هم رشد کنند. اگر این مرحله طی نشود، بعید می‌دانم، نه فقط در شکل‌گیری احزاب که شما سؤال می‌کنید، حتی به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و تحقق اهداف توسعه، کشور به جایی برسد. کماکان مثل گذشته‌ها باید نفت خام صادر کنیم، مصرف‌کننده باشیم و درجا بزنیم و درجازدن یعنی پسرفت، چون دنیا در حال پیشرفت است. نوع رویکرد ما باید واقعا تغییر کند. نوع نگاه ما به انسان و به مسئولیت‌های سیاسی - اجتماعی باید تغییر کند، هم در سطح نخبگان، هم در سطح دولتمردان و دستگاه‌هایی مثل هیأت‌ها و نهادهای مسئول در انتخابات، باید تغییر کند. باید مردم را دارای حق بدانیم. حقوق خدادادی و طبیعی آنان را به رسمیت بشناسیم و به آن احترام بگذاریم. به‌راستی بزرگ‌ترین سرمایه انسان چیست؟ آیا غیر از عزت و کرامت نفس است؟ غیر از آن کرامت ذاتی است که خدا به انسان بخشیده؟ پس عزت و ذلت به دست خداست.

به فضای دانشگاه‌ها و نخبگان هم اشاره کردید که باید تلاش بیشتری برای آگاه‌سازی مردم داشته باشند. در این چندسالی که از دولت آقای روحانی گذشته، فضای دانشگاه‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اصلی را که درباره مجلس بعدی نسبت به مجلس فعلی گفتم، درباره هر دولتی هم که بعد از دولت احمدی‌نژاد بیاید، قبول دارم. یعنی هر دولتی که بعد از آن می‌آمد، بهتر از دولت نهم و دهم بود. این را به عنوان یک اصل بپذیرید (با خنده). بعد از انتخاب دولت تدبیر و امید، واقعا یک تحولی به وجود آمد؛ بااین‌حال، مقداری از فرصت‌های این دولت را به‌خصوص در آموزش عالی که به آن اشاره کردید، ضایع کردند. وقتی آن فرصت‌ها می‌سوزد، طبیعی است، نباید انتظار معجزه داشت که تحولی در دانشگاه رخ دهد؛ ولی نفس اینکه آن نوع نگاه به دانشجو که نگاه ستاره‌دارکردن بود یا نگاه به استاد که نگاه اخراج، بازنشسته‌کردن یا تحقیر بود؛ نگاه به مدیریت‌ها که نگاهی مبتنی بر فرمایشی‌بودن و انتصاب بود، باوجود اینکه آن فرد در دانشگاه خود، مقبولیتی ندارد، تغییر کرده که نکته مثبتی است. نگاهی که- به قول وزیر آموزش عالی قبلی - ۲۰ هزار نفر را به عنوان هیأت علمی وارد دانشگاه‌ها کردند و مشخص نشد که با چه سازوکار و یا با چه کیفیت و مایه علمی اینها وارد دانشگاه شدند، تغییر کرده است. ما شاهد بودیم، ناگهان - مثلا - برای سؤال از دولت درباره برجام، از ۱۲ هزار نفر در یک هفته امضا جمع کردند. خب این تعداد بالا چه کسانی هستند؟ از کجا آمده‌اند؟

اما این نوع نگاه تغییر کرده است؛ بااین‌حال هنوز پس‌لرزه‌های دوران رکود و محدودیت‌هایی که در آن دوره تحمیل شد، در دانشگاه وجود دارد. دانشگاه احتیاج به یک فضای امن، باثبات، مدیریت‌های علمی و مستقل از تنش‌های روز جامعه، مستقل از خط‌بازی‌ها و کشمکش‌های سیاسی دارد. استاد، دانشجو و پژوهشگر باید احساس امنیت کند. امنیت شغلی و فکری داشته باشد. در یک فضای امن سالم است که رقابت علمی شکل می‌گیرد و به رونق و شکوفایی می‌انجامد. این فضا هنوز به دانشگاه برنگشته و طبیعی است که برنگردد، این تغییر فضا به سال‌ها سیاست‌گذاری و کار احتیاج دارد و مستلزم به‌رسمیت‌شناختن آن خوداتکایی و استقلال دانشگاه باید باشد.

بازتاب

توضیح حجت‌الاسلام بروجردی و پاسخ «شرق» درباره انتشار تصویر ایشان

● حجت‌الاسلام مصطفی بروجردی، سفیر فوق‌العاده و نماینده تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران در تونس، روز گذشته با ارسال یادداشتی به روزنامه «شرق»، از انتشار تصویر خود به‌جای تصویر حجت‌الاسلام سیدمصطفی بجنوردی، در گزارش مربوط به علت حضور سیدحسن خمینی در انتخابات، انتقاد کرد. روزنامه «شرق» ضمن پوزش به دلیل این خطای سهوی در انتشار تصویر، لازم می‌داند درباره بخشی از یادداشت ارسال‌شده توسط حجت‌الاسلام بروجردی، توضیحی ارائه کند. ایشان در یادداشت خود تأکید کرده: «این رفتار غیرحرفه‌ای را که دوبار در یک شماره روزنامه رخ داده، ظاهرا نمی‌توان به حساب اشتباه ساده گذاشت و در این روزها که هر سخن و سکوتی با تلقی‌های سیاسی متفاوتی روبه‌روست، رگه‌های سوءاستفاده از تصویر را نمی‌توان نادیده انگاشت. کمترین دقتی نشان می‌داد که وقتی از کسی با عنوان «سید» سخن می‌گویید، علی‌القاعده عکس کسی که آشکارا منتسب به سیادت نیست را نمی‌توان به‌جای او معرفی کرد. توصیفات بعدی که سخن از حضور یکساله در جلسه درس به میان آورده‌اید، البته اهداف انتشار عکس را آشکارتر می‌سازد». در این‌باره ذکر این توضیح ضروری است که تصویر جناب حجت‌الاسلام بروجردی به دلیل ناشناخته‌بودن نام و تصویر این مقام محترم و بدون آگاهی از هویت ایشان صورت گرفته و ضمن واردبودن ایراد عدم تطبیق سیادت حجت‌الاسلام بجنوردی با تصویر حجت‌الاسلام بجنوردی، اتهام «قصد سوءاستفاده» که از سوی ایشان به روزنامه نسبت داده شده را ناشایست و شتابزده می‌دانیم. چون علی‌القاعده روزنامه و اعضای آن نمی‌توانند نسبت به کسی که او را نمی‌شناسند، سوءنیت داشته باشند. ضمن اینکه در متن گزارش تنها به استفاده حجت‌الاسلام موسوی‌بجنوردی از کلاس‌های درس سیدحسن خمینی اشاره شده بود و نه درباره «مدت یک‌ساله» این حضور سخنی به میان آمده بود و نه اصولا حضور در چنین محضری، از نگاه ما امری قبیح است که بنا داشته باشیم به‌واسطه طرح آن و نسبت‌دادنش به سفیر فعلی ایران در تونس، اهدافی که به گفته ایشان «آشکار» است را پیگیری کنیم.
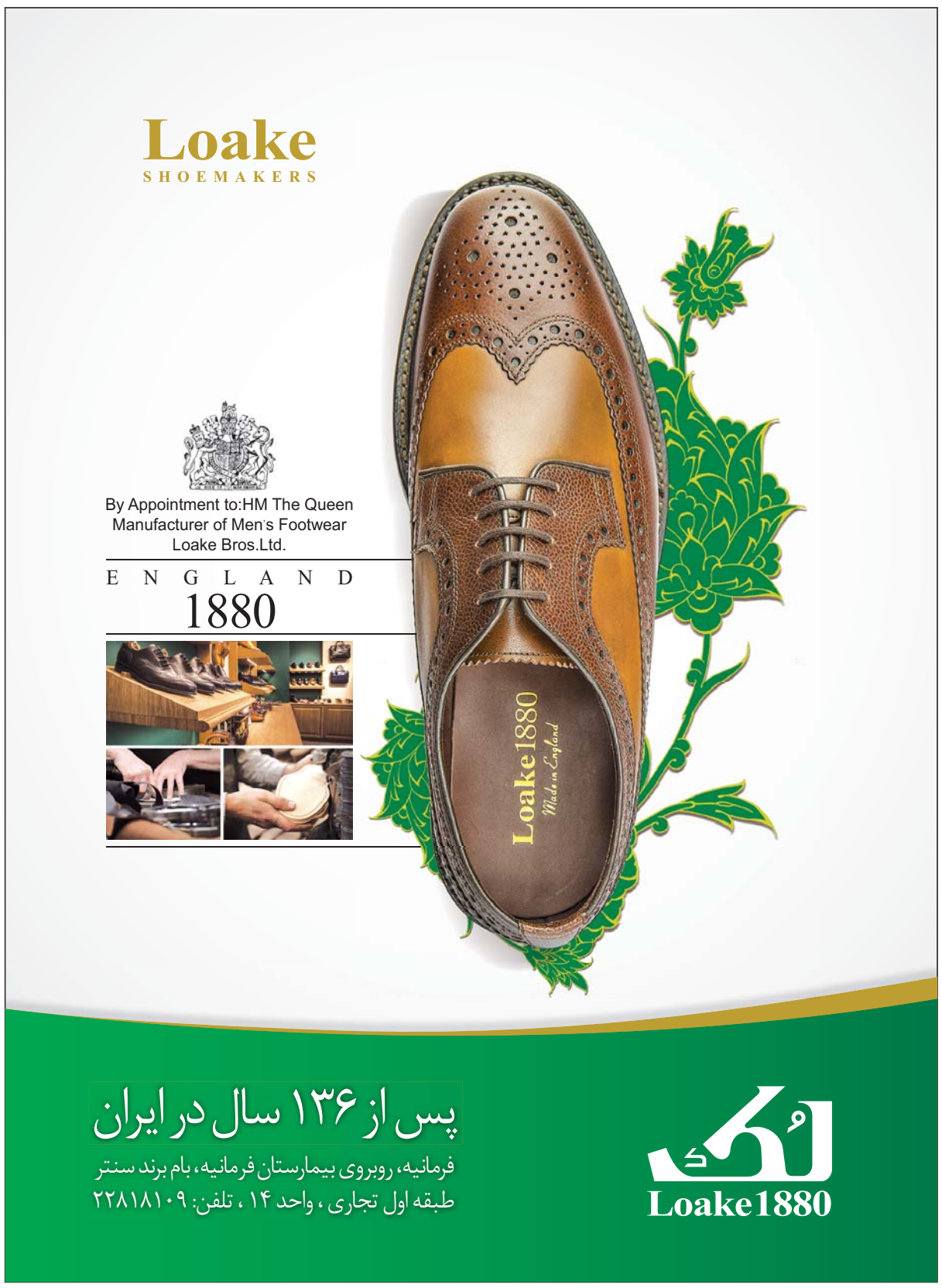
ادامه در صفحه۱۹